



سروچاله

از احیاء تا پایداری

جهان با بحران‌های پیچیده‌اقلیمی، زیستمحیطی، اجتماعی و تمدنی روپرورست. حفاظت از منابع طبیعی، اکوسيستم‌ها و میراث فرهنگی جوامع به عنوان ارکان اساسی توسعه پایدار، نه تنها به تقویت هویت ملی و ارزش‌های فرهنگی می‌پردازد، بلکه نقش محوری در پایداری زیستمحیطی و مدیریت منابع تجدیدناپذیر ایفا می‌کند. این حفاظت طیف گسترده‌ای از عناصر، از جمله کوه‌ها، جنگل‌ها، دره‌ها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها، مزارع، بناهای تاریخی، محوطه‌های باستانی، مکان‌های عام‌المنفعه و میراث معاصر، میراث صنعتی و فضاهای سبز شهری و مناظر فرهنگی و غیره را در بر می‌گیرد. این عناصر به عنوان سرمایه‌های طبیعی و فرهنگی، ضمن حفظ هویت تاریخی و فرهنگی جوامع، در توسعه پایدار نیز نقش محرك داشته و منافع عمومی را تأمین می‌کنند. ضرورت حفظ، مرمت و احیای مکان‌ها و مناظر تاریخی بر کسی پوشیده نیست؛ اما پرسش اصلی اینجاست که چرا اصول حفظ و احیای مکان‌های تاریخی به درون خودش محدود شده و به بیرون و به توسعه‌های معاصر تعمیم نیافتد؟ کوتاه شدن عمر بناهای جدید، منقضی شدن زودهنگام تاریخ مصرف بناهای نوساز، همراه با تخریب‌های بی‌رویه ساختمان‌ها با طول عمر کم و زیاد، بازسنجینی بر محیط زیست تحمیل کرده است. به عبارت دیگر، تخریب ساختمان‌ها به معنای هدردادن منابع و انرژی‌های تجدیدیافته و آغاز مجدد چرخه استخراج منابع و مصرف انرژی است که در نهایت به تخریب بیشتر محیط زیست منجر خواهد شد. بنابراین، جهان امروز بیش از هر زمان دیگری نه تنها نیازمند نگهداری، مرمت و حفاظت از میراث تاریخی و محیط مصنوع و طبیعی خود است بلکه ضرورت باز نگری در رویکردهای جاری معماری و شهرسازی و خانه‌سازی بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است.

اکنون زمان آن فرا رسیده که اصول حفاظت، مرمت و احیا که در کنوانسیون‌های جهانی و منشورهای ملی و بین‌المللی انکاس یافته، فراتر از حوزه‌های تخصصی میراث فرهنگی، به عنوان راهنمای برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های توسعه پایدار، از جمله معماری، شهرسازی، محیط زیست، مسکن و آمایش سرزمین مورد توجه ویژه قرار گیرد. این اصول بر احترام به محیط زیست، بستر طبیعی و زمینه فرهنگی و اجتماعی که اثر در آن شکل گرفته تأکید دارند، حداقل مداخله و حداکثری بهره‌وری در محیط را تشویق می‌کنند، بازگشت‌پذیری و قابلیت انعطاف‌پذیری طرح‌ها و تصمیمات را می‌طلبند، بر پایداری، انسجام و کلنگری پافشاری می‌کنند، بر اصالت، سادگی، خوانایی و استفاده از مصالح و فنون سازگار و بوم‌آورد اصرار، و بر احترام به ساختارها و تجربه زیسته گذشته برای بهره‌برداری نسل حال و آینده و بر تدوام و مدیریت تغییر و تأمین منافع عموم و موارد بسیاری دیگر از این دست تأکید می‌ورزند. با اجرایی شدن چنین اصولی، می‌توان به تعادلی پایدار بین نیازهای نسل حاضر و آینده‌گان دست یافت، از هدر رفت منابع جلوگیری کرده و به حفظ هویت فرهنگی، محیط زیست و توسعه پایدار امیدوار بود.

انتظار می‌رود مسئولین به مسئله حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی و نقش آن در توسعه پایدار، نه تنها به عنوان یک مسئولیت مدنی بلکه یک ضرورت استراتژیک بنگرند و با اتخاذ سیاست‌های مناسب، از میراث فرهنگی، تاریخی و طبیعی کشور پاسداری کنند. تدوین قوانین و مقررات، تخصیص بودجه‌های کافی برای مرمت و نگهداری مکان‌ها و مناظر تاریخی، معاصر و دارایی‌هایی که با کاهش عملکرد و بهره‌وری مواجه هستند، افزایش آگاهی عمومی و مشارکت مردم در حفاظت از میراث و محیط‌های طبیعی و انسانی از جمله اقداماتی است که می‌توان در زمینه به سرانجام رساند.

عیسی اسفنجاری کناری
عضو هیأت علمی دانشگاه هنر اصفهان
e.esfanjariaui.ac.ir

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
اسفنجاری کناری، عیسی. (۱۴۰۳). از احیاء تا پایداری. مکتب احیاء، ۲(۳)، ۵.

DOI: <https://doi.org/10.22034/2.3.5>
URL: <https://jors-sj.com/article-1-44-fa.html>

